

# The Role of Students' Art Education in Reduction Virtual Space Damage

*Mahmoodreza Haghighat\**

*Master of Arts Research, Shahed University, Tehran*

*Email: mr.haqiqat59@gmail.com*

## **Abstract**

With the sudden change of the country's education system from virtual to virtual, the occurrence of injuries in the presence of students in cyberspace was not far from the mind. Of course, if education had moved according to the Fundamental Transformation Document, it would not have been launched into cyberspace all at once under coronary conditions, because according to this document, it was obliged to plan for virtual education. With the expansion of students' presence in cyberspace, the fear of destroying moral-social foundations and lack of psychological-cultural security due to contaminated and destructive information in cyberspace has been felt more than ever, Art education is a process that brings about the flourishing and development of intellectual and cognitive skills and the production of new ideas in students. In this way, art education helps students to achieve cognition and self-awareness; In addition, it will play an important role in promoting their creativity, which is also used in various areas of life. Art education can be a factor for the growth and development of students that will lead to no deviation in cyberspace. The purpose of this study is to investigate the role of art education that can help students in the proper use of cyberspace. The results of the research are the recognition of the most important harms of cyberspace and the role of art education in reducing it among students. The research method was descriptive-analytical and data collection was in the form of libraries and documentary review.

**Keywords:** Art, Art Education, Students, Cyberspace, Cyberspace Injuries

---

\*. Date of Reception: 2019/04/23 , Date of Acceptation: 2019/09/02

## نقش تربیت هنری دانش‌آموزان در کاهش آسیب‌های فضای مجازی

محمودرضا حقیقت\*

ارشد پژوهش هنر، دانشگاه شاهد، تهران

Email: mr.haqiqat59@gmail.com

### چکیده

با تغییر یک‌باره نظام آموزش کشور از حضوری به مجازی، بروز آسیب‌های حضور دانش‌آموزان در فضای مجازی دور از ذهن نبود که البته اگر آموزش و پرورش طبق سند تحول بنیادین حرکت می‌کرد دیگر با شرایط کرونایی یک‌باره به فضای مجازی پرتاب نمی‌شد، چراکه طبق این سند موظف به برنامه‌ریزی برای آموزش مجازی بوده است. با گسترش حضور دانش‌آموزان در فضای مجازی، ترس از تخریب مبانی اخلاقی-اجتماعی و نداشتن امنیت روانی-فرهنگی ناشی از اطلاعات آلوده و مخرب در فضای مجازی بیش از پیش احساس شده است، تربیت هنری فرایندی است که شکوفایی و رشد مهارت‌های فکری و شناختی و تولید ایده‌های نوین در دانش‌آموزان را به همراه دارد. هم‌چنین، یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزش اخلاقی پیشرو به شمار می‌آید و به شکل‌گیری هویت فرهنگی، رفتارسازی در جامعه و هدایت دانش‌آموزان به سوی هنجارها می‌انجامد. بدین ترتیب، تربیت هنری به دانش‌آموزان در رسیدن به شناخت و خودآگاهی کمک می‌کند؛ ضمناً، نقش مهمی در ارتقای خلاقیت آن‌ها خواهد داشت که در حوزه‌های مختلف زندگی نیز کاربرد دارد. تربیت هنری می‌تواند عاملی برای رشد و پرورش دانش‌آموزان باشد که عدم کج‌روی و انحراف در فضای مجازی را برای آنان در پی خواهد داشت. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تربیت هنری است که می‌تواند دانش‌آموزان را در استفاده درست از فضای مجازی یاری کند. نتایج حاصل از پژوهش، شناخت مهم‌ترین آسیب‌های فضای مجازی و نقش تربیت هنری در کاهش آن بین دانش‌آموزان است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی بوده است.

کلیدواژه: هنر، تربیت هنری، دانش‌آموزان، فضای مجازی، آسیب‌های فضای مجازی.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱

## مقدمه

امروزه استفاده از رایانه، زندگی بشر را در همه وجوه دگرگون ساخته است و مطالعات انجام شده در ارتباط با برنامه‌های توسعه اغلب کشورها، نشان دهنده محوری بودن نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در این‌گونه برنامه‌هاست.

فناوری اطلاعات یکی از پدیده‌های جدید است که همه جای دنیا را با ارتباطات تار عنکبوتی و تودرتو و درهم بافته، به هم وصل کرده و به سرعت تمام جوانب زندگی امروزی از جمله آموزش و پرورش را تحت تأثیر خود قرار داده است. از این روی، آموزش و پرورش باید هرچه بیشتر و بهتر از این پدیده جهت نیل به آرمان‌های خود استفاده نماید و از آنجا که آموزش و پرورش از طریق برنامه درسی، رسالت خود را انجام می‌دهد، برنامه‌های درسی جهت تحقق این هدف باید کارایی و اثربخشی لازم را داشته باشند. (ملکی و حسن گرمایی، ۱۳۸۸، ص ۵۲-۳۷)

آموزش الکترونیکی به انسان قدرت یادگیری خارج از محیط فیزیکی کلاس را می‌دهد. آموزش از راه دور، هم اکنون سال‌هاست که در دنیا متداول و رایج است، اما ترکیب این نوع آموزش با اینترنت منجر به ابداع روش جدید تدریس به نام آموزش مجازی شده است. (موحد محمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲-۹۸)

در ایام شیوع بیماری کرونا و تغییر نظام آموزشی کشور از حضوری به مجازی، اهمیت آموزش مجازی و فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب برای توسعه آموزش از راه دور و آموزش مجازی در فضایی مناسب دوچندان از قبل شده است؛ زیرا مسئله امنیت دانش‌آموزان در فضای مجازی همواره یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام آموزشی به شمار می‌آید. در چنین دورانی نقش نهادهای اجتماعی همانند مدرسه در هویت بخشی به دانش‌آموزان در مقابل مخاطرات موجود در فضای مجازی روز به روز اهمیت پیدا می‌کند. نظام آموزشی برای رویارویی با مسئله‌ای که طرح شد، باید پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های خاص در حوزه تربیت و پرورش دانش‌آموزان صورت دهد.

نهاد آموزش و پرورش در هر جامعه دارای کارکردهای مختلفی است. یکی از این کارکردها که بیانگر بخش مهمی از اهداف این نهاد است، تلاش در جهت رشد و شکوفایی توانایی‌ها و قابلیت‌های هنری و زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان است. اهمیت این کارکرد از آنجا ناشی می‌شود که اصولاً، آموزش و هنر و تربیت هنری در بروز نوآوری و خلاقیت، رشد اخلاقی، پرورش عواطف و احساسات (تربیت عاطفی)، شکل‌گیری تغییرات عمیق و پایدار در سلوک فرد، رشد مهارتی، نظم، دقت و... تأثیر شگرف دارد (مهر محمدی و امینی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴-۲۲۱). برخی صاحب‌نظران معتقدند «هنر پایه اصلی و اساس تربیت است؛ زیرا عقل و احساس را متحد، تخیل را تحریک و محیط را دگرگون می‌کند و پس از آن که دستاوردهای مادی انسان‌ها فراموش می‌شود، هنر به منزله نماد نگرش‌های معنوی و شاهدی بر جستجوی بشر برای به دست آوردن جاودانگی باقی می‌ماند» (مایر، ۱۳۷۴)؛ از این رو، موفقیت و اثربخشی محتوای پیام‌های تربیتی همراه با جاذبه‌ها و ظرفیت‌های هنری چند برابر خواهد شد. بر این اساس،

ضرورت دارد که مسئولین نظام آموزش رسمی و غیررسمی که متولیان اصلی در حوزه تربیت دانش‌آموزان هستند این واسطه‌های ارزشمند را بشناسند و در جهت اهداف خود به کار بگیرند.

هدف از این پژوهش، ایجاد شناخت از تربیت هنری و آثار مختلف آن و بررسی کاهش آسیب‌های فضای مجازی با استفاده از برنامه‌های درسی مبتنی بر تربیت هنری است. اطلاعات به دست آمده پس از بررسی و تحلیل بر اساس پرسش‌های پیش رو، ساماندهی شدند: ۱. تربیت هنری چیست و آثار حاصل از آن در تکامل و تعالی شخصیت دانش‌آموزان چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ ۲. چگونه می‌توان با استفاده از تربیت هنری آسیب‌های فضای مجازی را کاهش داد؟

در این پژوهش ضمن ارائه تعاریف مختلف از تربیت هنری و ایجاد شناخت بهتر نسبت به آن، نتایج حاصل از تربیت هنری در دو بخش مهارت‌های لازم برای زندگی و همچنین آثار روان‌شناختی و اجتماعی تبیین شده است. همچنین سعی شده پس از بررسی فضای مجازی و آسیب‌های موجود در آن، استفاده از هنر و تربیت هنری در برنامه‌های درسی و ارتباط آن با کاهش آسیب‌های فضای مجازی مورد تحلیل قرار گیرد.

این پژوهش از این حیث حائز اهمیت است که با تبیین تربیت هنری و آثار آن اطلاعات ارزشمندی در زمینه تدوین برنامه‌های درسی مبتنی بر آموزش هنر در آموزش و پرورش حاصل می‌گردد و ضمن ارائه شناخت از آسیب‌هایی که در فضای مجازی دانش‌آموزان را تهدید می‌کند، حفظ و نگهداری آن‌ها از انحرافات را امکان‌پذیر می‌نماید.

## پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی فضای مجازی و آسیب‌های آن پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره نمود:

احمد زندوانیان، مریم حیدری، ریحانه باقری و فاطمه عطارزاده (۱۳۹۲) طی پژوهشی با عنوان «آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر»، با هدف شناسایی آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر یزد به پژوهش پرداخته‌اند نتایج پژوهش نشان می‌دهد استفاده از فضای مجازی در ابعاد خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی - عبادی. روانی دانش‌آموزان تأثیر منفی دارد و بین وسایل، تلفن همراه بیشترین و بازی‌های رایانه‌ای کم‌ترین آسیب را بر دانش‌آموزان داشته است.

یعقوب مولائی قولنجی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی چالش‌ها و مشکلات تدریس فضای مجازی در ایام شیوع ویروس کرونا از دیدگاه معلمان» سعی کرده است با توجه به اهمیت موضوع دید را نسبت به آموزش مجازی و یادگیری‌های الکترونیکی گسترش دهد، ضمن این‌که به مزایا و محدودیت‌ها و همچنین فرصت‌ها و چالش‌های این نوع آموزش‌ها در ایام شیوع کرونا پرداخته است.

مریم شفیعی سروستانی و مریم صفری سهل آبادی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش آموزش مجازی

معلمان در پی شیوع ویروس کرونا» با توجه به موضوع، انواع آموزش‌های فضای مجازی و فواید آن‌ها را بررسی کرده است. به ارائه راهبردهایی پرداخته است. از نتایج این پژوهش به‌طور کلی می‌توان به تداوم یادگیری بدون نیاز به حضور فیزیکی دانش‌آموزان، کمک دولت برای جلوگیری از گسترش ویروس کرونا و همچنین ورود فناوری‌های نوین به آموزش و الهام گرفتن از آن‌ها برای کمک به ارتقا آموزش نسل‌های آینده اشاره کرد.

محمد رضا تمنایی فر، محمد امینی و زینب یزدانی کاشانی (۱۳۸۸) در مقاله «تأملی بر کارکردهای تربیت هنری در نظام آموزشی» فرض اصلی مقاله را بر این قرار داده است که تربیت هنری می‌تواند یکی از تأثیرگذارترین حوزه‌های برنامه درسی در رشد ویژگی‌ها و قابلیت‌های متنوع دانش‌آموزان به شمار آید. نویسندگان مقاله برای بررسی این فرضیه، به شناسایی آثار تربیتی و روان‌شناختی تربیت هنری، با استناد به مجموعه‌ای از یافته‌ها و مستندات پژوهشی پرداخته‌اند که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد به دلیل نقش‌آفرینی‌های مختلف هنری و تأثیرگذاری آن بر قابلیت‌های متکثر دانش‌آموزان، باید جایگاه والای هنر در میان برنامه‌های درسی توجه کرد.

منیره رضایی (۱۳۹۲) طی پژوهشی با عنوان «تربیت هنری در نظام آموزشی ایران» به تحلیل و ارزیابی وضع موجود تربیت هنری در نظام آموزشی ایران، شناسایی نقاط قوت و ضعف آن بر اساس مؤلفه‌های اصلی آموزش و پرورش و تعیین چالش‌ها و راهکارها پرداخته است. یافته‌های به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد در هر یک از نظام‌های مدیریت و راهبردی، تأمین و تربیت نیروی انسانی، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، منابع مالی و مادی، تحقیق و توسعه، نقاط قوت اندک و نقاط ضعف بسیاری وجود دارد.

براساس تحقیقات بررسی شده، تاکنون پژوهشی به‌صورت مستقل جهت بررسی نقش تربیت هنری دانش‌آموزان در کاهش آسیب‌های فضای مجازی انجام نگرفته است، لذا لزوم و اهمیت پژوهش‌هایی از این دست بیش از پیش مشخص است.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع نظری و از لحاظ نوع داده‌ها کیفی است و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. گردآوری اطلاعات با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌های و بر اساس مدارک و گزارش‌های پژوهشی و اجرایی موجود صورت گرفته است. در این مقاله ضمن نگاه تحلیلی به آسیب‌های فضای مجازی، نقش «تربیت هنری» به‌عنوان فرایندی که شکوفایی و رشد مهارت‌های فکری و شناختی و تولید ایده‌های نوین در دانش‌آموزان را به همراه دارد، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اطلاعات پس از ساماندهی و دسته‌بندی موضوعی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بر اساس شواهد مختلف، تفسیر شده‌اند.

## تربیت

قرآن کریم می‌فرماید: «رستگاری از آن کسی است که نفس خودش را تربیت و روح خود را تزکیه کند».

متفکران و اندیشمندان تربیت را یکی از سخت‌ترین کارهای بشر دانسته‌اند و برای آن تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند. از آن جمله در کتاب «آموختن برای زیستن» که توسط یونسکو منتشر شده، آمده است که: «تربیت تغییر بدنی و روانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دینی و سیاسی همه جانبه، مداوم، هدفدار، مسئولانه و متعهدانه است» (هاشمی، ۱۳۹۶). واژه تربیت در زبان فارسی به معنای پروردن و اخلاق را به کسی یاد دادن به کاررفته است. (دهخدا، ۱۳۷۲)

در کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی نوشته خسرو باقری (۱۳۸۸) آمده است: «واژه تربیت از ریشه «ربو» و باب تفعیل است... به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است و از این رو به معنای تغذیه طفل به کار می‌رود؛ اما افزون بر این، تربیت به معنای تذهیب نیز استعمال شده است که معنای زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است. گویا در این استعمال، نظر بر آن بوده که تذهیب اخلاقی، مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و از این حیث می‌توان تذهیب را تربیت دانست» (باقری، ۱۳۸۸). اصولاً این جهان، جهان پرورش است؛ انسان‌ها هم، از خوب و بد همگی در حال پرورش یافتن هستند؛ لذا می‌توان ادعا کرد که تربیت، هم تکنیک است، هم کاری هنری است، هم امری فلسفی و هم دانش است. دورکیم جامعه‌شناس معروف، تعلیم و تربیت را یک نظریه علمی می‌داند.

به اعتقاد برخی دیگر از صاحب‌نظران، تربیت فعالیتی مداوم، جامع (توجه به همه آنچه برای به کمال رسیدن انسان لازم است، همه ابعاد وجودی و نیازهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انسان) و برای همه و برای رشد و تعالی و تکامل انسان و غنای فرهنگی و تعالی جامعه است. در فرهنگ اسلامی، تربیت در مورد کل نظام هستی مصداق می‌یابد و همه چیز در راستای تربیت قرار دارد. (طوسی، ۱۳۹۳)

## هنر

هنوز تعریفی جامع و مانع از هنر که همگان بر آن توافق داشته باشند، ارائه نشده است. در ادوار مختلف و در اقصی نقاط دنیا، فیلسوفان و متفکران سعی بر ارائه بیانی از این مهم داشته‌اند و هر کسی از ظن خود به جستجوی معنی هنر برخاسته است. غلامحسین ابراهیمی دینانی (۱۳۸۷) در تعریف هنر اشاره به آیه ۳۹ سوره حجر دارد: «وَإِنَّ شَيْئَ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنَهُ وَمَا نُنزِّلُ إِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُومٍ» (و هیچ چیز در عالم نیست جز آن که منبع و خزانه آن نزد ماست، ولی ما از آن بر عالم خلق الا به قدر معین - که مصلحت است - فرو نمی‌فرستیم) و معتقد است هنر یعنی همین ظهور غیب به اندازه معین. وی می‌گوید همه به جهان غیب اتصال دارند، وقتی دریچه این مخزن باز می‌شود، از غیب به عقل و روح و نفس و جسم و اندام تنزل می‌یابد و به این ترتیب اثری هنری خلق می‌شود (مشرقی، ۱۳۹۸، ص ۵۲-۴۶). شوپنهاور در تعریف هنر می‌گوید: «هنر نوعی رستگاری است. ما را از خواستن، یعنی درد و رنج، آزادی می‌بخشد و تصاویر زندگانی را دلربایی می‌دهد.» در تمجید هنر، تولستوی می‌گوید: هنر خوب است، اگر احساسات خوب را ترویج کند.

احساسات هنگامی خوب‌اند که شعور ممیز نیک و بد، به‌خوبی آن‌ها حکم دهد. با تأمل در گفتار اندیشمندان و متفکران بزرگ این نکته اساسی را درمی‌یابیم که به نظر می‌رسد، هنر ترجمان شعور انسان و برآمده و فرایند اندیشه پاک

از فطرت الهی انسان است. در واقع انسانی که سخنگوی خداوندگار خویش بوده است، در مقام خلافت او، می‌نگارد، می‌گوید، ترسیم می‌کند، می‌نوازد و رسیدن به کمال باید هدف غایی هنرمند باشد. (جهانیان، ۱۳۸۸، ص ۵۰-۴۸)

هنر در پایدارترین و اصیل‌ترین جلوه‌های خود به آرمان‌ها، شناخت‌ها، احساس‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌های ژرف و بنیادی نظر دارد که انسان با تکیه بر آن، از علایق و شناخت‌های سطحی می‌گذرد. در واقع هنر تحول واقعی و اصیل انسان را که نتیجه روکردن آگاهانه و آزادانه وی به ارزش‌هاست، امکان‌پذیر می‌کند، آنچه این تحول را ممکن و تسهیل می‌کند تربیت است؛ از این رو، «ما به تربیت هنری و بیشتر و بهتر به منظور پرورش انسان‌های کامل و رشد یافته، یعنی شهروندانی که تمدن شایسته و مطلوبی را رازش‌گذاری کنند، نیازمندیم». (Fowlrt, 1989)

## تربیت هنری

مایر (۱۳۷۴) در تاریخ اندیشه‌های تربیتی نوشته است: هنر، اساس تربیت است. هنر، عقل و احساس ما را متحد، تخیل ما را تحریک و محیط ما را دگرگون می‌کند. سال‌ها پس از آن‌که دستاوردهای مادی فراموش می‌شوند، هنر به منزله نماد نگرش‌های معنوی ما باقی می‌ماند. هنر از هر نظر شاهدی است بر جستجوی بشر برای به دست آوردن جاودانگی (مایر، ۱۳۷۴، ج ۲). هنر مقوله‌ای است که از آغاز آفرینش انسان تاکنون پایه پای آدمی پیش رفته و پیشرفت کرده است. هنر با همه گستردگی و در همه جلوه‌هایش بیانگر قابلیت و زمینه‌ای در آدمی است که رشد و بروز آن مستلزم فعالیت منظم و هدفمند، یا به عبارتی، جریانی است که آن را تربیت هنری می‌نامیم.

گارتسون (۱۹۹۱) میان مفهوم تربیت هنری و رشد توجه و حساسیت دانش‌آموزان نسبت به جلوه‌های زیبایی‌شناختی پدیده‌های مختلف ارتباط برقرار کرده و آن را فرایندی ناظر بر افزایش و رشد تیزبینی و حساسیت فرد نسبت به زیبایی‌شناسی می‌داند. به اعتقاد برودی<sup>۱</sup> (۱۹۷۷) هنرها دستیابی انسان را به دانش، بصیرت، ارزش‌ها و معانی که در هیچ یک از حوزه‌های محتوایی دیگر برنامه درسی وجود ندارد، فراهم می‌آورند. مبای نظری موجود بر این نکته تأکید دارند که تربیت هنری در رشدشناختی و مهارت‌های فکری، هم‌چنین «تفکر انتقادی» و «حل مسئله» تأثیری برجسته بر جای می‌گذارد. هاوس من، تربیت هنری را ناظر بر آموزش حواس مختلف، رشد تجارب حسی و لمسی، حساسیت و برخورد عمیق با جلوه‌های بصری هنری و نقادانه می‌داند. در واقع از نظر وی «تربیت هنری شامل آموزش اساسی حواس و رشد آگاهی متعالی از تجارب بصری، آفرینش و فهم اشکال نمادین بصری و نیز رشد رویکرد آگاهانه نسبت به تصورات بصری در نقاشی، مجسمه‌سازی، هنرهای تزئینی و آموزش در زمینه کاربرد و اعمال قضاوت نقادانه تجارب بصری است». (مهرمحمدی و امینی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵-۲۲۰)

در میان فلاسفه قدیم، افلاطون اولین فیلسوفی است که هنرهای زیبا، موسیقی و داستان‌گویی را ابزاری مهم و

1. Brody.

کارساز برای تربیت روحی و روانی دانش‌آموزان قلمداد می‌کند؛ و با توجه به تأثیر عمیق آن از دیدگاه تربیتی، به تحلیل انتقادی انواع داستان‌ها و موسیقی‌هایی می‌پردازد که برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده بود. افلاطون در تأکید بر نقش موسیقی در تربیت تا بدان جا پیش می‌رود که می‌گوید: «اگر موسیقی که بنیادش بر نظم و هماهنگی است و از این رو خویشاوند روان است، در میان نباشد و فقط به پرورش تن، ورزش و آموزش جنگاوری پراخته شود، آدمی ناموزون، وحشی و خشن بار می‌آید و به جانوران درنده مانند می‌شود»؛ اما فیلسوف دیگر یونانی، ارسطو، هم یادگیری هنرها را مورد توجه جدی قرار می‌دهد. وی حرکت معنادار در هنر و اعمالی که هیچ‌گونه سودی به انسان نمی‌رساند فرق می‌گذارد و اشاره می‌کند در امر آموزش، هنر به‌عنوان عامل اصلی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. در عین حال، وی پرورش عواطف و احساسات را راهی می‌داند که انسان را به مقصد هنرهای اخلاقی رهنمون می‌سازد. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸)

در عصر رنسانس و مابعد آن، شاید هیچ فیلسوفی، به اندازه کانت به تأمل در زیبایی‌شناسی نپرداخته باشد. از نظر وی امر زیبا، چیزی است که لذت می‌بخشد بدون آن‌که ویژگی عینی داشته باشد. درک زیبایی تجربه‌ای است متعلق به انسان از آن‌رو که از عقل برخوردار است. در نزد کانت علت این‌که بازی آزاد فی نفسه، بسیار لذت بخش است، این است که این نوع بازی، حاوی تجربه‌ای زیباشناسانه است (کوپر، ۱۳۸۹). به همین دلیل در دیدگاه‌های تربیتی کانت، تأکید زیادی بر فعالیت آزاد و بازی شده است. (شمشیری و بطحائی، ۱۳۹۵، ص ۷۵۴-۷۴۷)

الیوت آیزنر، از شاخص‌ترین نظریه پردازان معاصر در حوزه آموزش هنر است که به‌صورت ویژه به این موضوع نگریسته و به روشنگری پرداخته است. نفی نگاه تک‌ساحتی به هوش و پذیرش ایده وجود هوش‌های چندگانه در انسان که از جمله می‌توان به هوش موسیقایی، هوش فضایی، هوش زبانی و هوش حرکتی - جنبشی اشاره کرد، مشروعیتی برای کثرت‌گرایی در برنامه‌ها، اهداف و به‌طور کلی انواع تربیت فراهم می‌سازد که شامل تربیت هنری هم می‌شود. افزون بر این، بازاندیشی در مفهوم سواد و رها کردن آن از دایره بسته سوادهای کلامی و عددی و باور به هنر به‌عنوان چهارمین مهارت اساسی در کنار مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن، موجب به رسمیت شناختن هنر به‌مثابه یکی از اشکال سواد و یکی از ابزارهای انتقال معنا؛ می‌شود (آیزنر، ۱۳۸۵). تربیت هنری یکی از کارکردهای اساسی و مهم نظام آموزشی است، هدف تربیت نه پرورش هنرمند، بلکه پرورش ادراک و زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان است. هنر افزون بر بیان افکار و احساسات که با تفریح و لذت نیز همراه است، می‌تواند در افزایش یادگیری و رشد شخصیت افراد جامعه، بهبود رفتارهای اخلاقی و اجتماعی و رهاشدن از فشارها و تعارضات روانی، در خود هنرمند و مخاطبان آن نقش مهمی داشته باشد. (ابراهیمی، ۱۳۹۱)

## فضای مجازی

در استعمال رایج، فضای مجازی برای شبکه جهانی زیربنای تکنولوژی اطلاعات به هم وابسته، شبکه‌های ارتباط از راه دور و سیستم‌های پردازش با کامپیوتر و تلفن‌های همراه استفاده می‌گردد. فضای مجازی به تدریج



به‌عنوان نامی متعارف و مرسوم برای فهماندن و توصیف هر چیزی به کار گرفته می‌شود که با اینترنت مرتبط است. به‌واسطه این رسانه الکترونیکی، اشخاص می‌توانند باهم ارتباط برقرار نموده، کار کنند، رسانه‌ای هنری بسازند، روزنامه بخوانند، خود را آموزش دهند، بازی کنند، در کنفرانس شرکت کنند و تبادل نظر نمایند (زیوکو، ۱۳۹۶) امروزه کمتر دانش‌آموزی را می‌توان یافت که ساعاتی از وقت خود را صرف استفاده از فضای مجازی نکند و رفتار و افکارش تحت تأثیر آن قرار نگیرد. فضای مجازی قلمرویی وسیع و بدیع است که فرصت‌ها، آسیب‌ها و محدودیت‌های خود را دارد و فعالیت در آن نیاز به حضور آشکار و نمایان ندارد.

## آموزش الکترونیک یا مجازی

امروزه استفاده از رایانه، زندگی بشر را در همه وجوه دگرگون ساخته است. مطالعات انجام شده در ارتباط با برنامه‌های توسعه اغلب کشورها، نشان دهنده محوری بودن نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در این‌گونه برنامه‌هاست. فناوری اطلاعات و ارتباطات را می‌توان به‌عنوان ابزاری نیرومند و قوی برای ارتقای کیفیت و کارایی آموزش مورد استفاده قرارداد.

«آموزش الکترونیک» به مجموعه فعالیت‌های آموزشی گفته می‌شود که با استفاده از ابزارهای الکترونیکی اعم از صوتی، تصویری، رایانه‌ای، شبکه‌ای و مجازی و... صورت می‌گیرد؛ به عبارتی کلیه برنامه‌هایی را که از طریق شبکه‌های رایانه‌ای به‌ویژه اینترنت، منجر به یادگیری می‌شود، یادگیری الکترونیکی می‌نامند. (کیا، ۱۳۸۸، ص ۸۹-۸۲)

یادگیری الکترونیکی یا همان آموزش مجازی، طی دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از کاربردهای مهم فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهان مطرح بوده است. این نوع آموزش که به‌عنوان آموزش بدون نیاز به حضور فیزیکی (غیرحضوری) و یا مجازی نیز خوانده می‌شود، روشی نوین در فرایند آموزش با کمک فناوری‌های نوین و با تکیه بر ابزارهای فناوری اطلاعات است.

در آموزش مجازی، آموزش‌های حضوری به‌طورکامل شبیه‌سازی شده و به‌صورت مجازی و غیر حضوری ارائه می‌گردد (شفیعی سروستانی و صفری سهل‌آبادی، ۱۳۹۹). در مجموع، اصطلاح آموزش الکترونیک، مجموعه وسیعی از کاربردها و عملکردها، از جمله آموزش مبتنی بر وب، آموزش مبتنی بر کامپیوتر، کلاس‌های مجازی و همکاری‌های الکترونیکی را شامل می‌شود و اینترنت، اینترانت، اکس‌ترانت، انتشار ماهواره‌ای، نوارهای ویدیویی یا صوتی، تلویزیونی و محاوره‌ای و دیسک‌های فشرده از ابزارهای این شیوه آموزشی محسوب می‌شوند.

## شیوه‌های آموزش الکترونیک یا مجازی

مورتن فالچ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه‌ای در مورد تجارب عملی با استفاده از روش‌های یادگیری الکترونیکی و روش توسعه همکاری‌های فراملی» تحت پوشش مفهوم آموزش الکترونیکی چهار روش را مطرح

می‌کند، این چهار روش، عبارت‌اند از:

۱. یادگیری الکترونیکی بدون حضور فیزیکی و بدون ارتباط الکترونیکی: این نوع آموزش الکترونیکی را می‌توان کاملاً خارج از خط (آفلاین) انجام داد. تماس مداوم یا گاه به گاه آنلاین می‌تواند به روزرسانی مطالب آموزشی را امکان‌پذیر سازد. اطلاعات با تعدادی تمرین به او آموزش داده می‌شود و کاربر از طریق تست‌های چند گزینه‌ای مورد آزمایش قرار می‌گیرد. مزیت اصلی این نوع آموزش الکترونیکی، انعطاف‌پذیری آن است. یادگیری می‌تواند در همه جا و در هر زمان انجام شود. از طرف دیگر کاربر نمی‌تواند راهنمایی فراتر از آنچه در سیستم آموزش الکترونیکی از قبل گنجانده شده است را جستجو کند. کاربران باید بتوانند مستقل کار کنند و مشکلات غیر منتظره را خودشان حل کنند.

۲. یادگیری الکترونیکی بدون حضور فیزیکی و با ارتباط الکترونیکی: این نوع مدل نوعی اتصال را می‌طلبد. ارتباطات می‌تواند بصورت آفلاین (به‌عنوان مثال ارتباط از طریق ایمیل) یا بصورت آنلاین (به‌عنوان مثال اتاق گفتگو) باشد. ارتباط می‌تواند با یک معلم خصوصی یا با هم‌شاگردی‌ها باشد. این مدل تقریباً به اندازه مدل اول انعطاف‌پذیر است. همان‌طور که یک معلم خصوصی درگیر فرایند آموزشی می‌شود، برای استفاده از سیستم یادگیری الکترونیکی نیاز به یک کاربر است که به‌عنوان یک شرکت‌کننده ثبت نام کند؛ بنابراین می‌توان از این مدل برای تدریس که در آن تأمل و گفتگو برای فرایند یادگیری مهم است استفاده کرد. این مدل اغلب در شرایطی مورد استفاده قرار می‌گیرد که انعطاف‌پذیری در زمان و مکان مهم است؛ به‌عنوان مثال، این مدل برای آموزش‌های فرامرزی توسط دانشگاه‌ها استفاده می‌شود.

۳. آموزش الکترونیکی با حضور فیزیکی: در این مدل آموزش الکترونیکی با آموزش کلاس سنتی در کلاس ترکیب شده است. طیف گسترده‌ای از مدل‌ها در اینجا امکان‌پذیر است. قسمت «الکترونیکی» می‌تواند با ارتباط یا بدون ارتباط باشد و می‌تواند مکمل بخشی از آموزش سنتی باشد یا آموزش سنتی می‌تواند مکمل بخش «الکترونیکی» دوره باشد.

استفاده از تدریس در کلاس به هزینه‌های اقتصادی می‌افزاید، اما هم‌چنین به کارآمدتر شدن یادگیری الکترونیکی کمک می‌کند؛ زیرا گفتگوی بین دانش‌آموزان و معلم خصوصی خارج از کلاس را تسهیل می‌کند. این مدل اغلب در برنامه‌های دانشگاهی پس از تحصیلات تکمیلی استفاده می‌شود، جایی که دانشجویان بطور تمام وقت استخدام می‌شوند و ممکن است در سراسر کشور گسترش یابد. این آموزش می‌تواند ترکیبی از سمینارهای فشرده یک یا دو روزه و استفاده از سیستم‌های یادگیری الکترونیکی باشد، جایی که دانش‌آموزان تعدادی تمرین را که از طریق اینترنت در گفتگو با معلمان و هم‌چنین سایر دانش‌آموزان از طریق ایمیل ارائه می‌شود، آماده می‌کنند.

۴. آموزش الکترونیکی که در تدریس در کلاس استفاده می‌شود: هم‌چنین می‌توان از آموزش الکترونیکی به‌عنوان ابزاری برای آموزش سنتی در کلاس حضور استفاده کرد. در این روش مزیت عمده این است که

امکان استفاده از روش‌های جدید آموزشی را فراهم می‌کند؛ به‌عنوان مثال، استفاده از بازی‌ها، سایت‌ها و متن‌ها یا طرح‌های راهنما در تنظیمات واقع‌بینانه است. سودمندی مدل‌های مختلف به محیط، انواع کاربران و نوع شایستگی بستگی دارد که فرآیند یادگیری برای توسعه آن انجام می‌دهد. (Falch, 2004)

## آسیب‌های فضای مجازی و دانش‌آموزان

روزگاری انسان‌ها در دنیایی واقعی زندگی می‌کردند و ارتباطات بین آن‌ها ملموس بود و با کسانی ارتباط داشتند که در یک مکان باهم زندگی می‌کردند، اما اکنون مهم‌ترین تغییر دنیای معاصر که شالوده تغییرهای آینده جهان را می‌سازد، رقابتی شدن دنیای واقعی و مجازی است. مهم‌ترین تغییر دنیای مجازی این است که روابط انسانی با واسطه و از راه دور جایگزین روابط انسانی چهره به چهره شده است. فضای مجازی مرز جدیدی در ارتباطات اجتماعی ایجاد کرده است. مردم در آن، دوستی‌ها و دشمنی‌هایی ایجاد می‌کنند و در آن کارهایی انجام می‌دهند و چیزهایی می‌گویند که در دنیای واقعی و رودررو هرگز طرح نمی‌کنند. (Stefanescu, Chirita, Chirita, Chele, 2007)

مسئله امنیت دانش‌آموزان همواره یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام آموزشی به شمار می‌آید. ورود به فضای مجازی اینترنت از معطلات امنیتی مبتلا به دانش‌آموزان است که باید به آن توجه نمود. بنا بر دیدگاه و رویکردهای حاکم بر نظام برنامه‌ریزی درسی و آموزشی با شیوه‌های متفاوت به دنبال تدابیر مناسب برای مواجهه با چالش‌های فوق است. مدارس به منظور تربیت صحیح دانش‌آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، آموزشی، علمی، اجتماعی، کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و جسمانی دانش‌آموزان فعالیت می‌کنند. (شهابی، فتحی‌آذر و جعفری، ۱۳۹۵، ص ۳۲-۱۹)

گرچه فضای مجازی فرصت‌ها، قابلیت‌ها و امکانات فراوانی دارد که نادیده گرفتن هر یک از آن‌ها به عقب ماندگی یک کشور منجر می‌شود، آسیب‌هایی نیز به دنبال دارد. زندوانیان و همکاران (۱۳۹۲) طی پژوهشی و بررسی که درباره آسیب‌های فضای مجازی در بین دانش‌آموزان دختر شهر یزد انجام داده اذعان می‌کند، در بین پنج وسیله مؤثر در فضای مجازی (اینترنت، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه، تلویزیون و ماهواره) تلفن همراه بیشترین آسیب را داشته‌اند. نتایج به دست آمده از این تحقیق به شرح ذیل است:

۱. اینترنت موجب کاهش ارتباط دانش‌آموزان با خانواده و افزایش احساس تنهایی و افسردگی می‌شود؛

۲. دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند زمان زیادی از کامپیوتر استفاده کنند و این باعث رشد نکردن مهارت‌های اجتماعی، رفتار اعتیادگونه و شکست در مدرسه می‌شود و محیط‌های آموزشی محل مناسبی برای اعتیاد به اینترنت است؛

۳. یکی از آسیب‌های فضای مجازی تأثیر بر وضعیت سازگاری دانش‌آموزان است که آثار مخرب آن در وضعیت سازگاری افراد تأیید شده است؛

۴. فضای مجازی بر وضعیت اعتقادی - عبادی دانش‌آموزان تأثیر داشته است. تلفن همراه به تزلزل ارزش‌ها و شیوع پیام‌های غیراخلاقی کمک کرده است که تأثیر منفی بر باورهای دینی دارد و کسانی که از ماهواره استفاده نمی‌کنند، بیشتر به باورهای دینی پایبندند؛

۵. فضای مجازی بر وضعیت روانی دانش‌آموزان آثار مخربی برجای می‌گذارد؛

۶. از راهکارهای کاهش آثار منفی و مخرب فضای مجازی می‌توان به؛ تقویت ارتباط منطقی و عاطفی در خانواده، جایگزینی تفریح‌های سالم و درگیرکردن دانش‌آموزان با برنامه‌های مثبت نام برد. (زندوانیان، حیدری، باقری و عطارزاده، ۱۳۹۲، ص ۲۱۶-۱۹۵)

## اهمیت تربیت هنری در نظام آموزشی

آیزنر می‌گوید: «به نظر من، آینده مملکت ما در گرو نوع مکانی است که برای رشد و پرورش فرزندانمان تدارک می‌بینیم و به اعتقاد من در تعریف مختصات این مکان، برای هنر باید جایگاه ویژه‌ای قائل شد». به اعتقاد آدل آیف سن، در پارادایم جدید تعلیم و تربیت، حفظ استانداردهای بالای آموزشی در گرو قرارداد هنر و زیباشناسی در مرکز و به‌عنوان هسته اصلی برنامه درسی یا اصلاح نظام آموزشی است. زغم - یکی دیگر از صاحب‌نظران - معتقد است زمان پرسش از حقانیت، ضرورت یا مشروعیت آموزش هنر سپری شده است؛ چراکه ضرورت آن مانند آموزش، بهداشت و سلامتی روشن و بدیهی است و چون و چرا بردار نیست. (مهرمحمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۴-۱۱)

همان‌طور که مطرح شد، فلاسفه و مریبان تربیت مختلف، بر نقش و تأثیر سازنده هنر و فعالیت‌های هنری که ماهیتاً، اموری خلاقانه، آزاد و مبتنی بر شهود و تخیل می‌باشند، توجه و تأکید داشته‌اند.

به‌طور کلی، هدف از تربیت هنری، پرورش تجربیات زیبایی‌شناختی است. به معنای وسیع کلمه، تجربیات زیبایی‌شناختی به عنصر لذت در هر تجربه انسانی اشاره دارد؛ بنابراین، تمام اشکال تعلیم و تربیت، می‌توانند جنبه‌های گوناگون تربیت زیبایی‌شناختی محسوب شوند؛ به‌معنای دقیق‌تر و روشن‌تر، تجربیات زیبایی‌شناختی تجربیاتی هستند که با آنچه عموماً آثار هنری تلقی می‌شود، ارتباط دارند؛ بنابراین زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی با شماری از فعالیت‌ها مرتبط است. با توجه به ارزش و اهمیتی که بر تربیت هنری و نه صرفاً آموزش هنر مترتب است ضرورت دارد که نظام‌های تعلیم و تربیت و ازجمله نظام آموزشی ما، موضوع تربیت زیبایی‌شناسی و هنری را جدی تلقی کنند. آموزش و پرورش باید در کنار توجه به پرورش استعدادها و خاص در زمینه تولید هنری، امکان برخورداری همه دانش‌آموزان از سطحی از تربیت هنری را فراهم سازد.

از نگاه بسیاری از افراد شاخص و برجسته در حوزه تعلیم تربیت و خارج از آن، آموزش هنر باید، به یک بخش اساسی از برنامه درسی مدارس بدل شود. باید هنر، در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه‌های که به رسمیت شناخته شده‌اند (خواندن، نوشتن، حساب کردن)، چهارمین مهارت اساسی و پایه، در برنامه درسی تأکید شود. از مهم‌ترین

گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی، تدارک یک جایگاه معقول و مناسب برای هنر در برنامه‌های درسی است.

باید در نظر داشت بسیاری از آثار تربیت هنری و منافع آن در درازمدت آشکار می‌گردد؛ اما این مسئله نباید از اهمیت و ضرورت تربیت هنری بکاهد؛ بنابراین، این‌گونه به نظر می‌رسد که مرور فهرستی از بصیرت‌ها و کیفیت‌هایی که در سایه توجه به آموزش هنر به بهترین و مؤثرترین شکل پرورش می‌یابند، تصدیق نقش محوری هنر در نظام آموزشی را به همراه خواهد داشت (مهرمحمدی، ۱۳۸۳). به همین جهت در ادامه، برخی آثار تربیت هنری در دو بخش مهارت‌های زندگی و روان‌شناختی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## تأثیر تربیت هنری بر مهارت‌های زندگی

آموزش مهارت‌های زندگی، بحثی است که نه تنها در بین دست‌اندرکاران امور اجتماعی، فرهنگی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد، بلکه در نظام آموزشی نیز جایگاه مهمی دارد. مدیریت و آموزش مهارت‌های زندگی، به معنی برخورداری از توانایی‌های لازم در حل مشکلات و جلوگیری از تبدیل شدن آن‌ها به بحران‌های فرسایشی است. اهمیت یک برنامه درسی مناسب طرح و مدل منطقی آن است؛ به نحوی که بتواند در برنامه درسی معمول با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد دانش‌آموزان تغییراتی ایجاد کند تا رشد این دانش‌آموزان را در همه زمینه‌ها افزایش دهد (خسروی، ۱۳۹۳). بسیاری از مسئولان در حوزه تعلیم و تربیت، به دنبال برقراری ارتباط میان تربیت هنری با مهارت‌های زندگی، خصوصاً قابلیت‌های ذهنی مورد نیاز مشاغل هستند و از این منظر، کارکردهای زیر را برای تربیت هنری می‌توان برشمرد: ادراک روابط، توجه به ظرایف، توجه به راه‌حل‌های گوناگون مسائل، رابطه تعاملی هدف‌ها و روش‌ها، پرورش توانایی تصمیم‌گیری، به کارگیری تخیل، پرورش زیباشناسی، توانایی کاربرد رسانه: (مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۳)

### ۱. ادراک روابط

فعالیت‌های هنری وسیله ارتباط فکر و بیان است بنابراین از طریق آن می‌توان ارتباط مؤثری با دیگران برقرار کرده و آن را برای تربیت عقلانی، عاطفی و اجتماعی افراد بکار برد. آموزش درک روابط بین پدیده‌ها و اجزاء آن می‌تواند یکی از اهداف عمده آموزش و پرورش باشد. آشنایی دانش‌آموزان با هنر نه تنها به آنان توانایی بیان اندیشه با شیوه‌های هنری (زبان هنر) را می‌دهد، بلکه قدرت تجزیه و تحلیل رویدادهای اطراف و هم‌چنین دقت را در آن‌ها تقویت می‌کند. (سورتیجی و رستگارپور، ۱۳۹۰، ص ۲۸-۱)

هنر به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به این واقعیت پی ببرند که هیچ چیز به تنهایی پایدار نمی‌ماند. فن و مهارت شکل دادن به چیزها، مثل فن و مهارت موسیقی یا فن و مهارت بیان، یا هر رشته دیگر هنری به دانش‌آموزان کمک می‌کند تأثیرپذیری اشکال و عناصر درون یک محصول (اثر) را از یکدیگر تمیز دهند یا تعامل آن‌ها را باهم دریابند.

این مهارت، مدیر اجرایی را قادر می‌سازد تا به درک عمیقی از شیوه تعامل یک نظام خاص با هریک از زیرنظام‌ها در یک واحد عملیاتی دست یابد.

اطلاعات و آگاهی‌های گوناگون و مفاهیم ضروری در خصوص روابط انسانی، مقررات اجتماعی، آداب و رسوم فرهنگی، امور اخلاقی و دیگر زمینه‌های عمومی را می‌توان از طریق تربیت هنری در دانش‌آموزان ایجاد کرد. (مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۳)

## ۲. توجه به ظرایف

نهاد آموزش و پرورش در هر جامعه دارای کارکردهای مختلفی است. یکی از این کارکردها آنکه بیانگر بخش مهمی از اهداف این نهاد است، تلاش در جهت رشد و شکوفایی توانایی‌ها و قابلیت‌های هنری و زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان است. اهمیت این کارکرد از آنجا ناشی می‌شود که اصولاً، آموزش هنر و تربیت هنری در بروز رشد مهارتی، نظم، دقت و... تأثیر شگرف دارد (مهرمحمدی و امینی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵-۲۲۰). هنر به دانش‌آموزان می‌آموزد که تفاوت‌های ناچیز و کم اهمیت می‌توانند تأثیراتی شگرف داشته باشند. میزان چشمگیری از استدلال بصری معطوف به تصمیم‌گیری درباره تفاوت‌های جزئی، مثل رنگ یا شکل، به تولید یک کار هنری رضایت‌بخش منجر می‌شود.

در صحبت کردن یا نوشتن، توجه دقیق به جزئیات نیازمند کاربرد زبانی است که متکی به استعاره، کنایه، اشاره و سایر الگوهای پیچیده تفکر زبانی است.

## ۳. توجه به راه‌های گوناگون مسائل

هنر، به تعبیر دیوئی (۱۹۳۴)، قلمرویی است که در آن، دم به دم با مسئله مواجه می‌شویم و باید پیوسته به حل مسئله پردازیم، اما تفاوت این مسائل با مسائلی که دانش‌آموزان، معمولاً در قالب سایر دروس با آن‌ها سروکار پیدا می‌کنند، این است که دارای یک راه حل شناخته شده نیستند و پاسخ‌های صحیح متعددی برای هر کدام از این مسائل متصور است. (مهرمحمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۴-۱۱)

بنیان‌های دانشی و مهارت‌ها و نگرش‌های دوره پیش دبستانی شکل می‌گیرند و اهمیت و ضرورت آن‌ها برای خاص و عام پذیرفته شده‌اند. پس ضروری است که هر تحول و نوآوری آموزشی را باید از سال‌های اولیه کودکی مورد توجه قرار داد و برنامه‌ریزی برای دوران کودکی و پس از آن را بر پایه و بنیان قوی بنا نهاد (بازرگان، ۱۳۸۷). هنر به تقویت این آگاهی می‌انجامد که مسائل، راه‌حل‌های گوناگونی و پرسش‌ها نیز پاسخ‌های متفاوت و متعدد دارند؛ به عبارت دیگر، دریافت این معنا که کارهای خوب با شیوه‌های گوناگون انجام می‌شوند، از طریق هنر حاصل می‌شود. مدارس غالباً بر یادگیری قانونمند تأکید می‌کنند که بر فرض، وجود یک پاسخ صحیح برای هر سؤال یا مسئله استوار است، اما در کسب و کار، راه‌حل‌های چندگانه غالباً مطلوب و کارگشا هستند. در واقع، دشوارترین

مسائل زندگی نیازمند توجه به کیفیت‌ها یا امتیازهای نسبی راه حل‌ها از یک‌سو و اولویت‌ها از سوی دیگرند.

#### **۴. رابطه تعاملی هدف‌ها و روش‌ها**

به اعتقاد برودی (۱۹۷۷) هنرها دستیابی انسان را به دانش، بصیرت، ارزش‌ها و معانی (برای مثال درون‌بینی، تعالی روحی و احساس ذوقی) که در هیچ یک از حوزه‌های محتوایی دیگر برنامه درسی وجود ندارد، فراهم می‌آورند. به همین دلیل است که هدف از آموزش هنر، خصوصاً در مدارس، هنرمند شدن دانش‌آموزان نیست، بلکه تنها به منظور تقویت شناخت دانش‌آموز از پیرامون خویش است (کشاوری و سلطانی‌کیا، ۱۳۸۴). کار در حوزه هنر قابلیت تغییر هدف‌ها را در فرایند کار با تشخیص و پیگیری هدف‌هایی که از ابتدا مفهوم‌پردازی نشده‌اند، در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد.

در مدارس، رابطه میان هدف‌ها و ابزارها بیش‌ازحد ساده در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی هرگاه نتایج مطلوب حاصل نشود در ابزارها و روش‌ها اصلاحاتی صورت می‌گیرد؛ اما هدف‌ها همچنان ثابت نگه داشته می‌شوند. معمولاً تشخیص داده نمی‌شود که هدف‌ها در جریان عمل همواره دستخوش تغییرند. به بیانی ساده می‌توان گفت به همان اندازه که ابزارها و روش‌ها با توجه به هدف‌ها تعیین می‌شوند، هدف‌ها نیز با توجه به ابزارها و روش‌ها شکل می‌گیرند و رابطه میان این دو تعاملی و دوسویه است. هنر در تثبیت حقانیت این معنا نقش مؤثری ایفا می‌کند.

#### **۵. پرورش توانایی تصمیم‌گیری**

هنر همواره به یاری انسان شتافته است، چه آن زمان که انسان اولیه بر دیوار غارها برای خود راهی یافت تا از طریق آن به مقابله با ضعف‌ها و ناآگاهی‌های خویش پردازد و یا بر ترس از فنا و نیستی غلبه کند و چه اکنون که انسان در دنیایی زندگی می‌کند پر از مسئله که در هر لحظه نیاز به تصمیم‌گیری سریع و در عین حال دقیق است. (غفاری، ۱۳۶۴)

هنر موجب می‌شود تا توانایی تصمیم‌گیری در غیاب قانون و قاعده پرورش یابد، مثلاً این‌که یک فعالیت در چه زمان باید کامل تلقی شود. علم حساب دارای قواعد و نتایج قابل اندازه‌گیری است، اما بسیاری از امور و فعالیت‌های دیگر فاقد چنین قاعده مندی هستند که بر مبنای آن بتوان تعیین تکلیف کرد؛ بنابراین، زمانی که قاعده وجود نداشته باشد، قضاوتی حکم فرماست که بر اساس توجه به ظرایف و دقایق اجرای مربوط به وظایف محول یا فعالیتی انجام می‌شود. این قضاوت به فرد اجازه می‌دهد آنچه را به نظر درست می‌آید حس کند و دریابد چه زمانی وظیفه یا تکلیفی در حد مطلوب انجام شده است.

#### **۶. به کارگیری تخیل**

آموزش در توسعه و تقویت تفکر خلاق بسیار مؤثر است و این توانایی را کاهش یا افزایش می‌دهد. کلیه

روان‌شناسان و محققان اعتقاد به وجود تفکر خلاق در ذات بشر دارند و این مریی است که باید با ابتکارات و روش‌های خلاق خود، این استعداد را بارور نماید (محمدنژاد، ۱۳۸۲). هنر آدمی را به دورن خویش هدایت می‌کند و اگر انسان بتواند خود را بشناسد، موجب ایجاد تحولی می‌شود که زمینه‌ساز انگیزش درونی است و این خود پیش زمینه خلاقیت در انسان است. (آقایی، ۱۳۸۶)

آموزش هنر و فعالیت‌های هنری بهترین زمینه برای پرورش و خلاقیت به شمار می‌آید. توجه به آموزش صحیح هنر موجب ایجاد و تقویت تخیل، ابتکار و خلاقیت می‌شود. ریرسون در نتایج بررسی‌های خود تأکید می‌کند که شواهد مثبتی در مورد تأثیر هنر و استفاده از آن برای بروز خلاقیت وجود دارد. (Ryerson, 2007)

هنر مستلزم به کارگیری تخیل به‌عنوان یک منبع محتواست؛ یعنی توانایی مجسم ساختن موقعیت‌ها و بررسی میزان صحت عملیات طراحی شده از طریق چشم ذهن (معاینه ذهنی). اصولاً باید به رشد و پرورش تخیل به‌منزله یکی از ارزشمندترین منابع یا قابلیت‌های انسان توجه کرد. اما متأسفانه این مهم در دستور کار نهضت‌های اصلاحی آموزش و پرورش قرار نداشته است.

## ۷. پرورش زیبانشناسی

هری برودی (۱۹۷۷)، از صاحب‌نظران معروفی است که به تجربه زیباشناختی توجه می‌کند. از نظر وی، هنرمند، تجربه زیباشناختی را به‌گونه‌ای آگاهانه از راه استفاده هنرمندانه از رنگ‌ها، اصوات، اشکال و زمینه‌ها می‌آفریند. چنین اکتشاف و آفرینشی صرفاً از طریق تفکر، تأمل، تعمق، تفسیر و نقد کاوشگرانه پدیده‌ها و دستاوردهای هنری امکان‌پذیر است (شرفی، ۱۳۹۰، ص ۷۸-۶۷). رایمر معتقد است که کارکرد اصلی تربیت هنری عبارت است از «کمک به آحاد دانش‌آموزان در جهت پرورش ظرفیت‌هایی که دستیابی به معرفت زیباشناختی را تسهیل می‌کند و این جهت‌گیری در تربیت هنری از هر جهت‌گیری دیگری ارزشمندتر است». (Reimer, 1972, p99-108)

هنر، توانمندی نگرستن به دنیا را از دریچه زیبانشناسی در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد. برای مثال، پُل را می‌توان از نظر مهندسی، شاعرانه بودن یا طراحی نگرستن و ادراک کرد. آموزش در حوزه هنر این قابلیت را در دانش‌آموزان ارتقا می‌دهد که نگرستن به پدیده‌ها از چارچوب متفاوتی (چارچوب زیبانشناسی) استفاده کنند و در نتیجه چیزهای نو و تازه در آن‌ها بیابند. در این مسیر آموزشی با افزایش حساسیت زیبایی شناسانه، ذوق، خیال و خلاقیت، دانش‌آموز مرتبه به مرتبه به زیبایی‌های جهان هستی بیشتر توجه پیدا می‌کند.

## ۸. توانایی کاربرد رسانه‌ها

هنر آینه فطرت است و از این جاست که هنرمند زبان آدمیان می‌شود و از این منظر هنر واسطه‌ای برای بیان گویای معنا و دریافت عمیق پیام است، پس آثار خلق شده در رشته‌های مختلف هنری می‌تواند مانند رسانه‌هایی در زمینه‌های متفاوت با قابلیت‌های ویژه عمل کند.



هنرمند با اشتغال به حرفه هنری، آثار هنری را خلق می‌کند. محصولات می‌توان آن‌ها را به‌مثابه رسانه شناسایی نمود. رسانه‌هایی متفاوت از مطبوعات کاغذی، مجازی، رادیو و تلویزیون، از منظر نوع مخاطب و میزان مشارکت و انفعال آن‌ها که امروزه بسیار گویاتر و تأثیرگذارتر از رسانه‌های سنتی و دوشادوش دیگر رسانه‌های نوین هستند. (آگاه، ۱۳۹۸، ص ۲۰۰-۲۱۶)

هنر، توانمندی‌های دانش‌آموزان را برای استفاده از یک رسانه همراه با دانش لازم و محدودیت‌های آن پرورش می‌دهد. هیچ نظامی (نظام ارتباطی)، خواه زبانی، عددی، دیداری یا شنیداری، قادر نیست همه اهداف فرد را محقق سازد. هر رسانه یا ابزار، مزایا و محدودیت‌هایی دارد؛ بنابراین، فرصت دادن به جوانان برای پی بردن به محدودیت‌های یک ابزار (رسانه) به آنان کمک می‌کند تا برای حسن استفاده از محدودیت‌ها شیوه‌هایی را ابداع کنند.

## آثار روان‌شناختی و اجتماعی تربیت هنری

یکی از ابعاد تربیتی که همیشه مورد توجه جوامع بشری بوده تربیت از طریق هنر و «سوار کردن تربیت بر محمل هنر» است. هنر بستری منحصر به فرد برای رسیدن به اهداف بسیار مهم در تربیت اجتماعی است که اثرات متعدد روان‌شناختی و تربیتی آن مانند رشد فکری و شناختی، خلاقیت، رشد اخلاقی و شکل‌گیری هویت فرهنگی، تحولی ماندگار در شخصیت مخاطب ایجاد می‌کند؛ لذا وابستگی میان هنر و تربیت چنان است که برخی صاحب‌نظران معتقدند «هنر پایه اصلی و اساس تربیت است؛ زیرا عقل و احساس را متحد، تخیل را تحریک و محیط را دگرگون می‌کند و پس از آن‌که دستاوردهای مادی انسان‌ها فراموش می‌شود، هنر به‌منزله نماد نگرش‌های معنوی و شاهدی بر جستجوی بشر برای به دست آوردن جاودانگی باقی می‌ماند». (مایر، ۱۳۷۴)

هنر در پایدارترین و اصیل‌ترین جلوه‌های خود به آرمان‌ها، شناخت‌ها، احساس‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌های ژرف و بنیادی نظر دارد که انسان با تکیه بر آن، از علایق و شناخت‌های سطحی می‌گذرد. در واقع، هنر تحول واقعی و اصیل انسان را که نتیجه روکردن آگاهانه و آزادانه وی به ارزش‌هاست، امکان‌پذیر می‌سازد. آنچه این تحول را ممکن و تسهیل می‌کند، تربیت است؛ از این رو، «ما به تربیت هنری بیشتر و بهتر به‌منظور پرورش انسان‌های کامل و رشد یافته، یعنی شهروندانی که تمدن شایسته و مطلوبی را ارزشگذاری کنند، نیازمندیم» (Fowler, 1989, p60-63)؛ بنابراین نمی‌توان نقش و تأثیر قابل ملاحظه تربیت هنری را در آثار روان‌شناختی و اجتماعی هنر اعم از: یادگیری هنر و خودپنداره، یادگیری هنر و مهارت‌های اجتماعی، هنر و تغییر کارکرد اجتماعی و هنردرمانی و آثار آن نادیده گرفت.

### ۱. یادگیری هنر و خودپنداره

خودپنداره به معنای نگرش، ادراک و برداشتی است که شخص از خودش دارد. پندار فرد از خود تا اندازه‌ای تصور او را از محیطش شکل می‌دهد و این دو عامل نوع رفتارهای او را طرح‌ریزی می‌کنند (زارع‌زاده خیبری،

رفیعی‌نیا و اصغری‌نکاح، ۱۳۹۳، ص ۵۱-۴۱). در کودک و نوجوان، رشد خودپنداره به شدت از توانایی او در عمل و پالایش قابلیت‌های شناختی در حال رشد در جهت پردازش و تحلیل اطلاعات متأثر است. مطالعات تربیت هنری نشان می‌دهند تجارب یادگیری هنر فرصت‌هایی را برای کودک و نوجوان فراهم می‌کنند تا این مهارت‌های شناختی (تفکر انتزاعی، تفکر نقاد و واکنش) را تمرین کنند و توسعه دهند. یادگیری هنرها غالباً زمینه ارزیابی و تبادل ایده‌ها، اطلاعات، احساسات و ادراکات را فراهم می‌کند. (Deasy, 2002)

## ۲. یادگیری هنر و مهارت‌های اجتماعی

مهم‌ترین هدف آموزش و پرورش شناخت استعدادها، شکوفا نمودن آن‌ها و ایجاد مهارت کافی در ابعاد مختلف رشد است. فعالیت‌های هنری وسیله ارتباط و بیان است بنابراین از طریق آن می‌توان ارتباط مؤثری با دیگران برقرار کرده و آن را برای تربیت عقلانی، عاطفی و اجتماعی افراد بکار برد. این امر موجب بروز تمایلات، افکار، احساسات و تجارب فردی می‌گردد. هنر در فرآیند تربیت هنری شخصیت را پرورش داده و آنچه را به زبان نمی‌آید، بیان می‌کند زیرا وسیله بیان خویشتن است و به‌عنوان صمیمانه‌ترین زبان احساسات محسوب می‌شود. (مهرفروزی و محمدی، ۱۳۹۵)

## ۳. هنر و کارکرد تغییر اجتماعی

تعریف هنر هم چون سایر مفاهیم اجتماعی از پیچیده‌ترین و جنجالی‌ترین مباحث‌ها است که تعریف‌های گوناگون و مختلفی را که برخاسته از مشرب‌های گوناگون و بر اساس مکاتب و گرایش‌های خاص به تجزیه و تحلیل و در نتیجه، به تعریف هنر پرداخته است. به نظر می‌رسد تعریف هنر در دنیای معاصر به شکل جامع و مانع امکان‌پذیر ناست. برای این که هنر همگام با شرایط و تحولات اجتماعی متحول می‌گردد و هیچ‌گاه یک تعریف نمی‌تواند سیطره خود را بر هنر حفظ کرده و پایدار باقی بماند (پرویزی، یارویسی و محمد، ۱۳۹۵). هنر در دوران‌های مختلف کارکردهای اجتماعی گوناگونی داشته است. آنچه امروز از «کارکرد اجتماعی هنر» مراد می‌شود، قدر مسلم محصول دگرذیسی این مفهوم در طول سده‌ها و حتی دهه‌های پشت سر است. از میانه و به‌طور عمده از اواخر قرن نوزدهم که مدرنیسم در اروپا گسترش یافت، هنر نیز در نسبتش با اجتماع دستخوش تحولاتی شد. فلیسین شاله<sup>۱</sup> یکی از زیبایی‌شناسان معروف هنر را این‌طور تعریف نموده است؛ هنر عبارت از کوششی است که برای ایجاد زیبایی، ایجاد عالم ایدئال و عالم صور و عواطف منزله در کنار عالم واقع به کار برده می‌شود. (شاله، ۱۳۴۷)

تولستوی،<sup>۲</sup> فیلسوف روسی هنر را یک فعالیت انسانی می‌داند که انسانی آگاهانه و به یاری علائم و مشخصه

1. Felicine Shaleh.

2. Tolstoy.

ظاهری، احساساتی را که خود تجربه کرده است به دیگران انتقال دهد، طوری که این احساسات به دیگران سرایت کرده و آن‌ها نیز آن احساسات را تجربه کرده و از همان مراحل حسی که او گذشته است، بگذرد. پس هنر، عامل بزرگ پرورش فکری و تکامل نفسانی و اخلاقی است.

هنر شخص را با سیماها و جهات گوناگون عالم انسانیت و طبیعت هماهنگ می‌سازد و در نتیجه انسان بهتر می‌تواند وظایف خود را نسبت به انسانیت و حیات جهانی انجام دهد (پرویزی، یارویی و محمد، ۱۳۹۵). تربیت هنری در پایدارترین و اصیل‌ترین جلوه‌های خود به آرمان، شناخت‌ها، مهارت‌ها، احساسات و ارزش‌های ژرف و بنیادی نظر دارد که دانش‌آموزان می‌توانند با تکیه بر آن از سطح شناخت‌های سطحی رها شده و تحول واقعی و اصیل در جامعه که نتیجه روی آوردن آزادانه و آگاهانه به ارزش‌هاست را امکان‌پذیر سازد.

#### ۴. هنر درمانی و آثار آن

در بحث پیرامون آثار تربیت هنری می‌توان به هنردرمانی و آثار آن اشاره کرد؛ زیرا زمانی که افراد در جریان روند خلق اثر هنری یا تفسیر و تحلیل اثر هنری قرار می‌گیرند، به حل مشکلات عاطفی - روانی آن‌ها به‌ویژه پس از رویاروشدن با موقعیت‌های تخیلی کمک می‌کند. آنچه امروزه بدان هنر اطلاق می‌شود، در واقع هنگام پیدایش و در مسیر تکامل، یک نیاز اولیه و جزئی از زندگی روزمره به شمار می‌رود. طبق یک قول، هنر تقریباً به سالمندی بشر است. هنر شکلی از کار است و کار فعالیتی ویژه انسان است. (فیشر، ۱۳۵۸)

به تدریج که انسان به‌سوی تمدن گام برداشت، هنرها از اصل زندگی بشر خارج و مستقلاً به کار گرفته شدند و به‌عنوان فعالیت‌های جانبی و نه ضروری محسوب گردیدند، ولی اکنون با پیشرفت‌هایی که در کاربرد روش‌های علمی و پژوهشی به وجود آمده است، می‌توان با تحقیق در مورد نحوه مناسب استفاده از هنر در درمان و یا بهداشت روانی، باز هم هنر را به میدان اصلی زندگی برگرداند.

هنردرمانی به‌طور عام و «رنگ درمانی»، «موسیقی درمانی»، «تئاتر درمانی» و «قصه درمانی» به‌طور خاص در کشورهای مختلف مورد پژوهش و استفاده قرار گرفته است (جبل عاملی، ۱۳۷۹، ص ۸۹-۸۲). هنردرمانی، استفاده از انواع هنر در جهت دستیابی به سلامت روانی افراد است. هنردرمانی موجب ارتقای سطح مهارت‌های ارتباطی و افزایش پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان با ناتوانی‌های مختلف در مدرسه می‌شود. هدف هنردرمانی صرف نظر از شرایط مربوط، تشویق کودکان و نوجوانان به‌منظور بیان احساس‌های خویش، مشارکت فعال در انجام وظایف جدید، فعالیت‌ها و نیز یادگیری نحوه بروز خلاقیت توسط آنان است. (آ.آگونیا، ۱۳۸۶، ص ۲۹-۲۴)

#### نتیجه‌گیری

آموزش الکترونیکی می‌تواند بسیاری از مشکلات جوامع از جمله نیازهای روزافزون مردم به آموزش، عدم دسترسی یکسان به مراکز آموزشی، کمبود امکانات اقتصادی، کمبود مربیان مجرب و هزینه‌های سنگین آموزشی را برطرف

نماید. باتوجه به اهمیت تداوم امر آموزش و یادگیری از طریق آموزش‌های الکترونیکی، ضرورت دارد، نظام آموزشی به‌عنوان ارائه دهنده موضوعات آموزشی که در حوزه سیاست‌گذاری و تدوین اهداف آموزشی، همواره پرورش انسان کامل را سرلوحه خود قرار داده است؛ انسانی که دارای رشدی موزون و متعادل در ابعاد شخصیتی خود باشد و بتواند در بزرگسالی به‌عنوان یک شهروند به مسئولیت‌ها و تکالیف خود عمل کند، نسبت به این رویکرد شناخت بیشتری پیدا کند و فرصت‌های بیشتری جهت آموزش مهارت‌های رسانه‌ای در فضای مجازی ایجاد نمایند.

فضای مجازی فرصت‌ها، قابلیت‌ها و امکانات فراوانی دارد که نمی‌توان آن‌ها را از نظر دور داشت. این پدیده نوظهور آسیب‌هایی را هم به دنبال دارد. دانش‌آموزان به دلیل استفاده نادرست و بیش حد از فضای مجازی و جدا شدن از دنیای واقعی فواید دنیای مجازی را به آسیب تبدیل می‌کنند و نظام آموزشی برای کاهش برخی آسیب‌های پیش رو مسئولیتی بزرگ دارد؛ ازاین‌رو، برای رسیدن به این مهم، هنر و تربیت هنری باید نقش آشکار و تعیین‌کننده داشته باشد.

جنبه زیبایی‌شناسی و هنری انسان یکی از ابعاد وجودی اوست که لازم است در نظام آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از روش‌های تأثیرگذار به آن توجه شود و تمهیدهای لازم برای تربیت دانش‌آموزان در این بعد فراهم شود. اگرچه در سال‌های اخیر سیاست‌گذاران و مدیران آموزش و پرورش در مقام نظر و بیان موضع‌گیری‌های مثبتی در خصوص هنر و تربیت هنری داشته‌اند، اما عدم تحقق این امر، از نقاط ضعفی است که مستلزم یک تغییر اساسی در نگرش‌ها نسبت به تربیت هنری و کارکردهای مؤثر و کارآمد آن است.

در خلال تربیت هنری می‌توان مهارت‌های زندگی و روان‌شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان را ارتقا داد. این آثار را که شامل؛ ادراک روابط، توجه به ظرایف، توجه به راه‌حل‌های گوناگون مسائل، رابطه تعاملی هدف‌ها و روش‌ها، پرورش توانایی تصمیم‌گیری، به کارگیری تخیل، پرورش زیباشناسی و توانایی کاربرد رسانه‌ها هستند، ضمن انجام فعالیت هنری با رویکرد تربیت هنری می‌توان این مهارت‌ها را بیشتر تقویت کرد؛ بنابراین تمام اشکال تعلیم و تربیت، می‌توانند جنبه‌های گوناگون تربیت هنری محسوب شوند.

با توجه به ارزش و اهمیتی که بر تربیت هنری و نه صرفاً آموزش هنر مترتب است ضرورت دارد که نظام‌های تعلیم و تربیت و ازجمله نظام آموزشی ما، موضوع تربیت هنری را جدی تلقی کنند. آموزش و پرورش باید در کنار توجه به پرورش استعدادها و خاص در زمینه تولید هنری، امکان برخورداری همه دانش‌آموزان از سطحی از تربیت هنری را فراهم سازد. باید هنر، در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه‌هایی که به رسمیت شناخته شده‌اند (خواندن، نوشتن، حساب کردن)، چهارمین مهارت اساسی و پایه‌ای، در برنامه درسی تأکید شود. از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی، تدارک یک جایگاه معقول و مناسب برای درس فرهنگ و هنر در برنامه‌های درسی است.

## منابع

- قرآن کریم.

- آ. آگونیا، لزی، (۱۳۸۶)، «*فواید هنر درمانی برای کودکان با نیازهای ویژه*»، ترجمه منوچهر علی یارزنجانی، تعلیم و تربیت کودکان استثنایی، شماره ۷۰ و ۷۱، ص ۲۹-۲۴.
- ابراهیمی، جواد، (۱۳۹۱)، *آسیب‌شناسی تربیت هنری در نهادهای تعلیم و تربیت*، مجموعه مقالات هنر و سند تحول بنیادین، مشهد: تمرین.
- آقایی، حمید میرزا، (۱۳۸۶)، «*تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت کودکان در آینده*»، ماهنامه آینه خیال، شماره ۵.
- آگاه، وحید، (۱۳۹۸)، «*نظریه‌های معطوف به هنر، مقدمه شناخت آثار هنری به‌مثابه رسانه*»، نشریه علوم خبری، ۸ (۲۹)، ص ۲۰۰-۲۱۶.
- آیزنر، ایوت، (۱۳۸۵)، «*آموزش هنر برای تغییر دنیا*»، ترجمه فاطمه سادات میرعارفین، رشد آموزش هنر، شماره ۶.
- بازرگان، سیمین، (۱۳۸۷)، *برنامه‌ریزی چند بعدی، ماتریس زندگی*، چاپ دوم، تهران: مدرسه.
- باقری، خسرو، (۱۳۸۸)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: مدرسه.
- پرویزی، اکبر؛ یارویی، رضا و محمدرضا محمدی، (۱۳۹۵)، *تأثیر آموزش هنر بر تربیت انسان متعالی*، اولین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، تهران: مدیریت و روان‌شناسی.
- جبل عاملی، اشرف، (۱۳۷۹)، «*آشنایی با هنر درمانی*»، تازه‌های روان‌درمانی، ۵ (۱۷، ۱۸)، ص ۸۹-۸۲.
- جهانیان، شهناز، (۱۳۸۸)، «*فرهنگ‌سازی و هنر*»، رشد آموزش هنر، ۷ (۱)، ص ۵۰-۴۸.
- خسروی، رحمت‌اله، (۱۳۹۳)، *آسیب‌شناسی برنامه درسی مهارت‌های زندگی در نظام آموزشی نظری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲)، *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- زارع‌زاده خبیری، شیوا؛ رفیعی‌نیا، پروین و سیدمحسن اصغری‌نکاح، (۱۳۹۳)، «*اثر بخشی هنر درمانی گروهی بیانگر بر افزایش مؤلفه‌های رفتاری و هیجانی خودپنداره کودکان مراکز شبیه خانواده*»، مجله روان‌شناسی بالینی، ۶ (۲)، ص ۵۱-۴۱.
- زندوانیان، احمد؛ حیدری، مریم؛ باقری، ریحانه و فاطمه عطارزاده، (۱۳۹۲)، «*آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر*»، نشریه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۴ (۲۳)، ص ۲۱۶-۱۹۵.
- زیوکو، ماجا، (۱۳۹۶)، *ابعاد روان‌شناختی فضای مجازی*، ترجمه مهدی نصرتی، اولین کنفرانس بین‌المللی ظرفیت‌شناسی و تأثیرگذاری فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های دینی، قم.
- سورتیچی، علی‌اصغر و حسن رستگارپور، (۱۳۹۰)، «*رابطه آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری و خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم دبستان ایران در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸*»، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۱ (۳)، ص ۲۸-۱.
- شاله، فلیسین، (۱۳۴۷)، *شناخت زیبایی (استتیک)*، ترجمه علی‌اکبر بامداد، چاپ سوم، تهران: کتابخانه طهوری.

- شرفی، حسن، (۱۳۹۰)، «تبیین مفهوم تولید هنری در آموزش هنر (با تأکید بر تربیت هنری در نهاد آموزش و پرورش)»، پژوهشنامه هنرهای دیداری، شماره اول، ص ۷۸-۶۷.
- شفیعی سروسنانی، مریم و مریم صفری سهل‌آبادی، (۱۳۹۸)، بررسی نقش آموزش مجازی معلمان در پی شیوع ویروس کرونا، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، میناب.
- شمشیری، بابک و فاطمه بطحائی، (۱۳۹۵)، ضرورت آموزش هنر در دوره دبیرستان، اولین همایش ملی آموزش هنر در ایران، دانشگاه شیراز، ۱۷ و ۱۸ اسفندماه، ص ۷۵۴-۷۴۷.
- شهابی، سیده سارا؛ فتحی‌آذر، اسکندر و علی جعفری، (۱۳۹۵)، «نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در ارتباط با تعامل آن‌ها با فضای مجازی»، مطالعات علوم اجتماعی، ۱۳ (۵۱)، ص ۳۲-۱۹.
- طوسی، اسدالله، (۱۳۹۳)، تعلیم و تربیت اسلامی، پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، کاروان صادقیه.
- غفاری، افسانه، (۱۳۶۴)، آموزش هنر و نقش آن در رشد خلاقیت دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- فیشر، ارنست، (۱۳۵۸)، ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی، ترجمه فیروز شیروانلو، تهران: انتشارات توس.
- کشاورز، محمدعلی و حسین سلطانی‌کیا، (۱۳۸۴)، آموزش نقاشی و کاردستی، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- کوپر، ای. دیوید، (۱۳۸۹)، کانت، در مجموعه نویسندگان برجسته قلمرو هنر، ترجمه صالح طباطبایی و فائزه دینی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- کیا، علی اصغر، (۱۳۸۸)، «نگاهی به آموزش مجازی (الکترونیک)»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، ص ۸۹-۸۲.
- مایر، فردریک، (۱۳۷۴)، تاریخ اندیشه‌های تربیتی، ج ۲، ترجمه علیاصغر فیاض، تهران: انتشارات سمت.
- محمدنژاد، آتیه، (۱۳۸۲)، «چگونگی ایجاد و پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان و نحوه شناسایی دانش‌آموزان خلاق»، ماهنامه تربیت، ۱۹ (۴).
- مشرفی، مهرداد، (۱۳۹۸)، «هنر اسلامی و حکمت اشراقی»، ایران‌شناسی، ۱ (۲)، ص ۵۲-۴۶.
- ملکی، حسن و علی حسن‌گرمایی، (۱۳۸۸)، «جایگاه و کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه درسی دوره ابتدایی از نظر صاحب‌نظران و معلمان شهر تهران»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۸ (۳۱)، ص ۵۲-۳۷.
- مهرافریزی، علی و عیسی محمدی، (۱۳۹۵)، تأثیر آموزش هنر در مدارس دوره ابتدایی، کنفرانس ملی دانش و فناوری روان‌شناسی، علوم تربیتی و جامع روان‌شناسی ایران، تهران.

- مهرمحمدی، محمود و محمد امینی، (۱۳۸۰)، «طراحی الگوی مطلوب تربیت هنری در دوره ابتدایی»، فصلنامه علوم انسانی، ۱۱(۳۹)، ص ۲۲۵-۲۲۰.
- مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۳)، *آموزش عمومی هنر: چستی، چرایی و چگونگی*، تهران: انتشارات مدرسه.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰)، «تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت: خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۰۵، ص ۳۴-۱۱.
- مهرمحمدی، محمود و مرجان کیان، (۱۳۹۳)، *برنامه درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- موحدمحمدی، حمید، (۱۳۸۲)، *آموزش کشاورزی*، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین، (۱۳۸۸)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات طهوری.
- هاشمی، نجمه، (۱۳۹۶)، *آسیب‌شناسی تربیت هنری در نظام رسمی آموزش و پرورش ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، رشته تاریخ فلسفه و تعلیم و تربیت.
- Deasy, Richard (Ed.) (2002), *Critical Links: Learning in the Arts and Student Academic and Social Development*. Washington, DC: Arts Education Partnership.
- Falch, Morten (2004), *A study on practical experiences with using e-learning methodologies and cooperative transnational development methodology*. Center for Tele-Information, Danmarks Tekniske Universitet.
- Fowler, Charles (1989) "The Arts Are Essential to Education", *Educational Leadership*, Vol 47. No3. pp60-63.
- Fowlrt, Charles (1989). *The Art are Essential to Education*. Educational Leadership. USA.
- Reimer, Bennett (1972), "Putting Aesthetic Education to Work", *The Journal of Aesthetic Education*. Vol 6. No3. pp99-108.
- Ryerson, Fountain (2007). *Using art to differentiate instruction: An analysis of its effect on creativity and the learning environment*, Ph.D Dissertation, Purdue university.
- Stefanesco, C. Chirita, V. Chirita, R. Chele, G. (2007). "Network Identity, the Intenet Addiction and Romanian Teenagers". *Proceedings of the 4th WSEAS/IASME International Conference on Engineering Education*, Agios Nikolaos, Crete Island, Greece, July 24-26, 2007. Department Psychiatry. SOS. Buciom; 36;700282; Iasi ROMANIA.